

■ همان‌طور که مستحضرید، حضرت آیت‌الله العظمی میلانی در سال ۱۳۳۳ خورشیدی وارد مشهد شد و تا زمان رحلتش در سال ۱۳۵۴ خورشیدی، در این شهر اقامت داشت. این دوره در تاریخ ایران، مصادف با شکل‌گیری و فعالیت جریان‌های متعدد سیاسی و اجتماعی است که در مشهد هم فعالیت گسترده‌ای داشتند. تعامل آیت‌الله العظمی میلانی با این جریان‌ها به چه شکل بود؟

همان‌طور که اشاره کردید، حضور مرحوم آیت‌الله العظمی میلانی در مشهد مصادف بود با پایان یافتن جریان نهضت ملی و سرکوب آن در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ خورشیدی.

نهضت ملی در میان مردم مشهد پشتمانه چشمگیری داشت؛ برخی از رهبران این نهضت نیز مشهودی بودند. همین امر باعث شد حضور آیت‌الله العظمی میلانی در این شهر، هم برای مردم و هم برای خود ایشان، بازتاب‌ها و توقعاتی به دنبال داشته باشد. نکته مهم این است که آیت‌الله العظمی

میلانی پیش از اوج‌گیری نهضت ملی با برخی از گردانندگان آن در کربلا دیدار کرده بودند. بنابراین، شخصیت شناخته‌شده‌ای برای رهبران نهضت بودند و متقابلاً خود ایشان هم، درک و شناخت دقیقی از رهبران نهضت داشتند. از سال ۱۳۳۴ خورشیدی، یعنی یک سال پس از استقرار آیت‌الله العظمی میلانی در مشهد، نهضت مقاومت ملی شکل گرفت؛ بنیادی که اساس آن در مشهد پدید آمد. همین امر سبب شد ایشان محل مراجعه و مشورت بسیاری از فعالان این جریان باشند. چون چهره‌های مؤثر نهضت مقاومت ملی را از نزدیک می‌شناختند. وقتی این نهضت در همان سال سرکوب

شد و رهبران‌ش بازداشت و به زندان‌های تهران منتقل شدند، آیت‌الله العظمی میلانی با جدیت به حمایت از آنها برخاست؛ با مقامات مکاتبه می‌کرد و گام‌های مؤثری در مسیر آزادی آنها برداشت. مرحوم عابدزاده، استاد محمدتقی شریعتی و نیز فرزندشان، دکتر علی شریعتی، از جمله افرادی بودند که آیت‌الله العظمی میلانی آنها را کاملاً می‌شناخت و پیگیر وضعیتشان بود؛ همین‌طور شخصیت‌هایی مانند جلال‌الدین فارسی و دیگران که در آن زمان عضو نهضت مقاومت ملی بودند. ما در این زمینه نامه‌هایی در اختیار داریم؛ از جمله نامه‌ای که آیت‌الله العظمی

میلانی به آیت‌الله حاج‌آقا رضا نجاتی نوشته است. حاج‌آقا رضا نجاتی

از علمای برجسته آن دوره و از آغاز تا پایان همراه نهضت ملی بود. در آن نامه، آیت‌الله العظمی میلانی درگذشت مرحوم دکتر مصدق را به ایشان تسلیت می‌گوید و اشاره می‌کند که در مشهد، البته بدون ذکر نام، برای مصدق بزرگداشتی برگزار کرده است. به همین دلیل،

وقتی در سال‌های بعد، پیروان نهضت، از جمله مهندس مهدی بازرگان و دیگر شخصیت‌ها بازداشت شدند، آیت‌الله العظمی میلانی به همین ترتیب از آنها حمایت کرد. بنابراین تردیدی نیست که آن مرحوم، شناختی دقیق و عمیق نسبت به جریان‌های سیاسی معاصر خود داشت.

■ آیا این حمایت صرفاً حمایت کلامی بود یا جنبه‌های دیگری هم پیدامی‌کرد؟ آیا آیت‌الله العظمی میلانی در قبال این حمایت، مطالباتی هم از جریان‌های سیاسی داشت؟

تعامل ایشان صرفاً یک حمایت یک‌طرفه نبود؛

بلکه رابطه‌ای تعاملی بود. به این معنا که هم ایشان از جریان‌ها خواسته‌هایی داشتند و هم جریان‌ها از ایشان. نهضت مقاومت ملی و دیگر جریان‌های دینی و سیاسی کشور می‌دانستند که آیت‌الله العظمی میلانی هر جا احساس کند کاری به نفع مسلمانان و ایران است، با تمام صداقت همکاری می‌کند. همین شناخت موجب شده بود توجه همه جریان‌های سیاسی به سوی ایشان جلب شود. با وجود این که آیت‌الله العظمی میلانی در مشهد حضور داشت و ظاهراً از مرکز دور بود، اما نوعی مرکزیت واقعی داشت؛ به‌ویژه در بازار تهران، آیت‌الله العظمی میلانی از نفوذ و محبوبیت آشکاری برخوردار بود و احترام و ارادت فراوانی نسبت به ایشان داشتند. چهره‌های برجسته و روشن‌اندیش بازار مایل بودند اراده و نظر ایشان را در قالب‌های مختلف عملی کنند. در این دوره تاریخی، کمتر مرجعی را داریم که هرگاه اراده کند یک فعالیت فرهنگی یا علمی شکل بگیرد، پشتوانه مالی لازم بی‌درنگ فراهم شود. آن هم از سوی سرمایه‌داران دین‌باور و بازاری‌های معتقد. آیت‌الله العظمی میلانی میان بازار و جریان‌های سیاسی و دینی نقش یک کاتالیزور را ایفا می‌کرد؛ پیوندی میان دو سوی جریان به وجود آورد که پیش از آن چندان امکان‌پذیر نبود. بازار معمولاً به‌سادگی وارد همکاری با جریان‌های سیاسی نمی‌شد، اما با اتکال به شخصیت ایشان، این پیوند برقرار شد. با اشاره آیت‌الله العظمی میلانی جریان‌های سیاسی مورد حمایت ایشان، پشتوانه مالی پیدا می‌کردند. در همین راستا تجار و بازاریان هم در فعالیت‌های سیاسی حضور می‌یافتند و سطح آگاهی‌شان از مسائل فکری و سیاسی روز، بالاتر می‌رفت. آیت‌الله العظمی میلانی به رشد فکری و آگاهی جامعه توجه ویژه داشت. او می‌خواست تاجر، صرفاً خدمتگزار اقتصادی نباشد، بلکه از جریان‌های فکری مطلع شود. آیت‌الله العظمی میلانی با احترام با آنان برخورد می‌کرد، از امکاناتشان برای کارهای فرهنگی بهره می‌برد، برایشان تقدیرنامه می‌فرستاد و در حضور شخصیت‌های دیگر از آنان تجلیل می‌کرد. چون هر دو

